

عکاسی

هادی شفائیه

عکاسی مناظر

نباید تصور کرد که تصاویر منظره‌بیکه در مسابقات عکاسی بعنوان «بهترین» انتخاب میشود بی‌مطالعه و برحسب تصادف گرفته شده است. آنها نتیجه همکاری یک چشم با تجربه با یک انتخاب دقیق کادر و اجرای ماهرانه‌یی است که بطور خلاصه میتوان آنرا یک «اثر شخصی» نامید.

در مقام مقایسه با موضوعات بی‌حدی که جهان پر جنب و جوش عرضه میکند ممکن است تصور شود که ضبط و ثبت «منظره» ساده‌ترین موضوعات باشد: زیرا که تکان نمیخورد و میتواند ساعتها در انتظار گرفته شدن عکس باقی ماند. اما حقیقت این نیست زیرا از «علت»ها و «دلیل»هایی که موجب میشود بعضی از این تصاویر «شادتر» و «خوش‌آیندتر» از دیگران باشد میتوان یک لیست طولیل تهیه کرد.

بنابراین، بهتر است این «علت»ها را بررسی کنیم و راه رسیدن به آنها را کشف نماییم:

۱- پیش از هر چیز، صرف وقت کافی از ضروریات است. کاری که با شتاب و عجله وبدون احتیاط‌های لازم انجام گرفته باشد در هیچ موردی، بخصوص عکاسی، نتیجه قابل پذیرشی نخواهد داشت.

در صورت نداشتن وقت کافی، بیشک روی جزئیات موجود نمیتوان دقت لازم را مصروف داشت. درحالیکه یک هنرمند آرام و بی‌شتاب موفق به کشف آنها خواهد شد و اثری جالب بدست خواهد آورد.

اگر همراهان در ماشین منتظر شما هستند، بگذارید انتظار بکشند... و یا اینکه آنها را روانه کنید و خودتنها برگردید. اساساً آماتورهای امروز عادت به انتظار کشیدن، مانند گذشته‌ها، ندارند. سابق، پیش از فشار دادن به (کلانشر)، دقیقه‌ها و بعضاً ساعت‌ها منتظر میماندند تا ابری از جلوی آفتاب کنار رود و یا اسب و عرابه‌یی از راه برسد و در «نقطه قوی» تصویر قرار گیرد.

۲- در جستجوی چیزی باید بود که « دیده نشده» باشد.

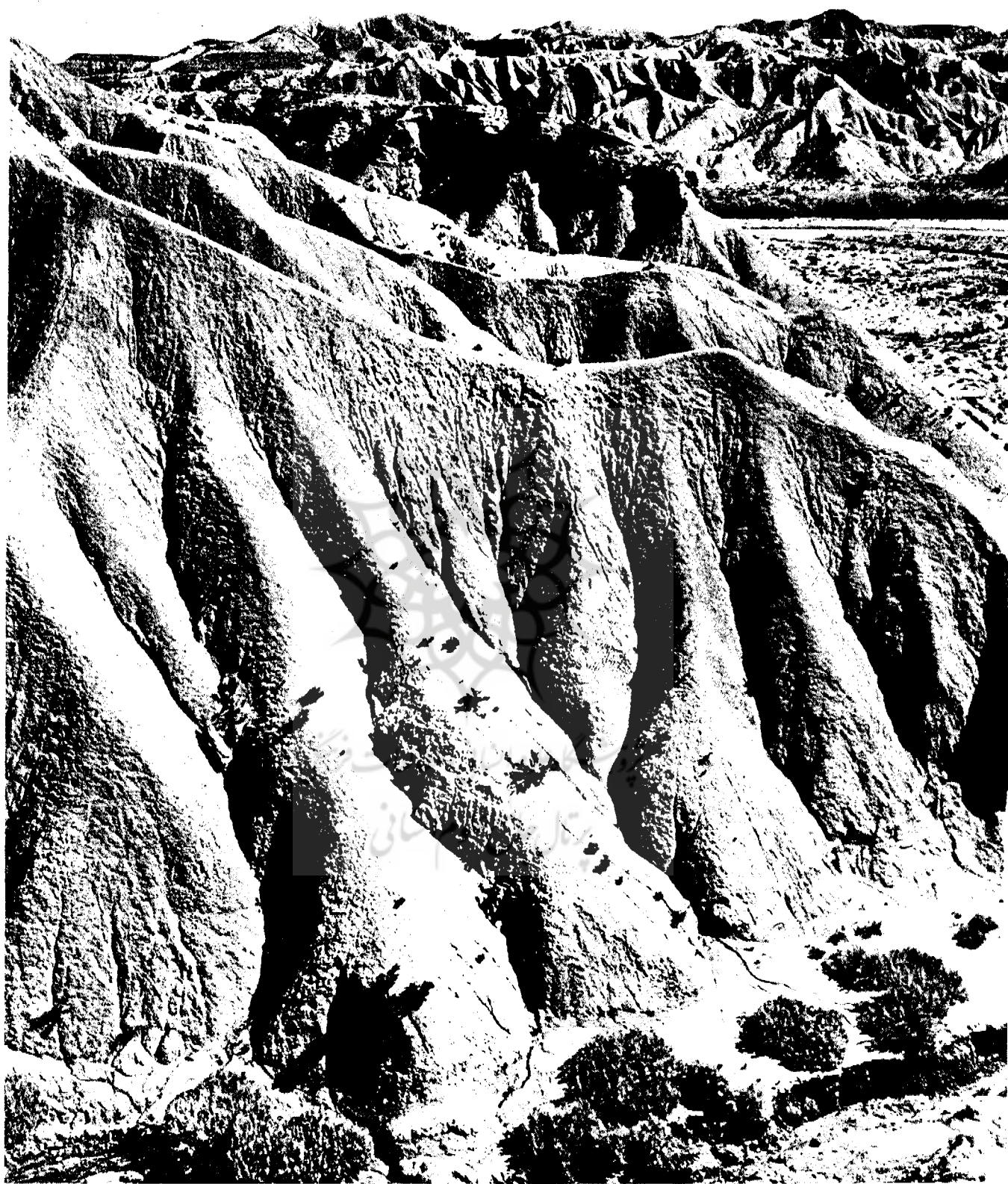
برای اینکار لازم نیست که حتماً دوربین در دست و یا همراه انسان باشد. در اینمورد از تکنیک کاوش واکتشاف بصری باید استفاده کرد که بطور مفیدی میتواند مورد بهره‌برداری واقع شود. بدین منظور به قوه خیال و قدرت تصور باید مراجعه کرد. مثلاً، در پایین تپه‌یی، منظره‌یی را که پس از بالا رفتن دیده خواهد شد بایستی در نظر مجسم ساخت. یا وجود برف، انعکاس‌های روی آب‌های بعداز باران، هوای مه‌آلود سحرگاهان و غروب را باید بقدرت تصور در مناظر مختلف «دید». حتی وضع ضد نور را.

سر پیچ هر کوچه‌یی می‌تواند امکانات جدیدی عرضه کند، اگر امروز امکان توقف ندارید، محل را درحافظه و یا دفترتان یادداشت کنید و هر وقت مجال و فرصت کافی داشتید دوباره برگردید.

۳- بهترین وضع برای هر عکسبرداری به یکباره معین و مشخص نمیشود و بیشک در همه اوضاع واحوال یکسان نمیباشد. مشاهده اختلاف‌هایی که «نقطه دید»های بسیار کم تفاوت به وجود می‌آورد انسان را دچار حیرت و تعجب میکند. گاهی این «نقطه» در صورت مرتفع بودن نتیجه خوب میدهد (مثلاً اگر از بالای زمین سرایشی عکس گرفته شود پلان اول خیلی نزدیک و بی‌مصرف براحتی حذف میشود) و برعکس «نقطه» پایین و زاویه پست، خط افق را پایین‌تر آورده و به بلندی‌هاییکه در پلان‌های نزدیک و متوسط وجود دارد شدت و قدرت می‌بخشد.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که انتخاب وضعیت دوربین یکی از مهمترین عوامل تکنیک مؤثر است.

۴- اگر میخواهید چیزی تازه وبدیع و بی‌سابقه بدست آورید همه امکانات را آزمایش کنید، حتی با فیلم رنگی از





انتخاب شده .

بسیاری از مناظر ، فقط با وارد کردن « چیزی » در پلان متوسط قابل اصلاح بوده و میتواند تصویر بهتری ایجاد کند . کشف این موضوع وظیفه عکاس است . مثلاً قرار گرفتن « انسانی » میتواند راه حلی باشد . البته این موضوع به ذوق و سلیقه هر کس بستگی دارد و بعضی از عکاسان با وارد ساختن « عنصر انسانی » در تصاویر خود موافق نیستند . در این صورت با تغییر کادر عکس و یا محل عکسبرداری میتوان عنصر دیگری در کمپوزیسیون وارد کرد .

۶ - نباید تصور کرد که تصاویر مناظر اجباراً در هوای خوب بهترین وضع را میتواند داشته باشد . باران و برف گاهی دید عادی را چنان به شکل کاملی تغییر می دهد و احساس نور جالب می آفریند ، که باز شناختن آن مشکل است .

يك عکاس ماهر و هنرمند و پرتجربه ، میتواند تغییرات فرم ها و محیط و افه های خاص نور را درك و احساس کند در حالیکه خیلی کمتر اشخاص عادی قدرت دریافت و تشخیص

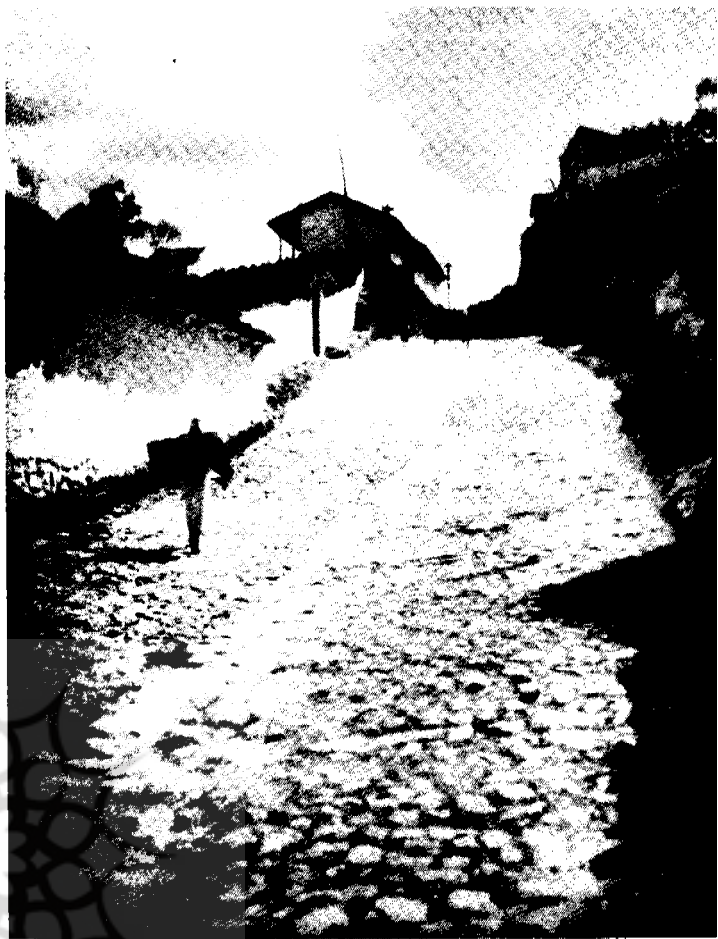
فیلتر رنگی استفاده کنید ! اما اینکار را « عالماً » انجام دهید و از بکار بستن متد کار دوربین جمعیه بی بهره یزید : آفتاب در پشت ، تنظیم روی بی نهایت ، دیافراگم ۱۶ ، سرعت ۱/۳۰ ثانیه .

البته با مشخصات مذکور يك سری تصاویر متوسط الحال میتوان بدست آورد اما بندرت چیزهای خیلی خوب در آن میان یافت میشود . دوربین خود را چون « دستگاه آفرینش » بکار ببرید نه مانند ماشین کپی .

۵ - اگر بنظر ضروری میرسد ، باید منظره را « از نو چید » .

بدین معنی که از میدان ضبط و ثبت آنچه را که دیده شدنش لزومی ندارد باید بیرون کشید . همچنین افزودن يك عنصر جالب توجه (انسان ، حیوان و یا هر چیز دیگر) را بایستی آزمایش کرد .

فرق زیادی است بین عکسبرداری « مسلسل » و تهیه عکس هایی پس از چندین بار دور زدن در اطراف موضوع



آنها را دارند و عدهٔ خیلی جرات عکسبرداری را به خود میدهند .

چتری همراه خود بردارید ، آفتابگیر بزرگی روی دوربین سوار کنید و سعی نمائید زیر باران و برف عکس بگیرید . به فرصت های از دست رفته بیندیشید که میتوانستند صحنه های جالبی را نگهداری کنند .

۷- از وسایل ولوازم مختلف خود استفاده کنید . با دوربین رفلکس تک ایژکتیف ، با تغییر دیافراگم و همچنین قرار دادن فیلتر های گوناگون حتی فیلتر پلاریزاسیون به مطالعهٔ مناظر بپردازید .

در مورد مناسبترین موقع روز، که منظرهٔ دلخواهتان به بهترین شکلی دیده میشود ، و همچنین دربارهٔ اینکه مثلاً انسانی را در کادر مزبور قرار دهید تفحص کنید .

منظرهٔ کوههای بلند ، با استفاده از وجود انسان که امکان مقایسه را به تماشاگر میدهد ، عظمت خود را باز مییابد .

انتخاب يك ایژکتیف مناسب (از لحاظ فاصلهٔ کانونی)

و ایجاد میدان وضوح عمیق را نباید فراموش کرد . فیلتر آبی را برای افزایش اثر مه ، فیلتر نارنجی یا قرمز را برای تیره ساختن آسمان و یا فیلتر سبز را برای روشن تر کردن رنگ برگهای درختان آزمایش کنید .

۸- در صورت امکان ، اکثراً ایژکتیف ها را عوض کنید . با تغییر ایژکتیف و زاویه‌ی که دربر میگیرد امکانات وسیعی حاصل میشود که با هیچ وسیلهٔ دیگری قابل مقایسه نیست و بدین ترتیب تصاویر بهتری بدست میآید . فی المثل ، بدون اینکه لزومی به تغییر محل دوربین باشد ، میتوان آنچه را که غیر ضروری است از کادر «برید» و با از اختلاط و واضح نبودن موضوع که نتیجهٔ زیادی و فراوانی جزئیات است جلوگیری کرد . در این مورد يك تله ایژکتیف متوسط (۹۰ - ۱۳۵ میلی متر) برای دوربین های ۳۵۰ میلی متری ، مناسبترین عدسی هاست . با این ایژکتیف ، بی آنکه در پلان های خیلی نزدیک ایجاد بد شکلی و نا هنجاری شود ، میتوان از دست «زیادی ها» رهایی یافت و انتخاب خوبی در کادر بعمل آورد . همچنین ، با این وسیله ، در عین عکسبرداری از فاصلهٔ نسبتاً

عناوین امپرسیونیست یا آرتیستیک را با اطلاق به تصاویر محو و دودی توضیح کرده‌اند. يك اثر دودی با هیچ بهانه و معذرتی نمیتواند قابل قبول باشد.

درعکس سیاه - سفید و یا رنگی انتخاب فیلم اهمیت زیادی دارد. برای صحنه‌ی مخصوص يك فیلم رنگی محیطی خلق میکنند که با فیلم رنگی دیگری امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل لازم است از خواص فیلم‌های مختلف رنگی آگاه بود و در هر موردی نوع مناسب آنرا به کار برد. کسانی که با ایمان و اعتقاد محکمی خود را پابند محصولات یکی از سازندگان میکنند و حتی در میان انواع مختلف فیلم‌های سازنده بخصوص یکی را برای همیشه انتخاب مینمایند از این موضوع بی‌اطلاعند.

درعکاسی سیاه - سفید فیلم‌های ضعیف و ریزدانه ترجیح دارد، زیرا علاوه بر ریزی دانه‌ها، که کیفیت مربوط به آنهاست، در موقع عمل نیز نرمش بیشتری از خود نشان میدهند. با فیلم‌های متوسط، در هوای آفتابی امکان عکاسی با دیافراگم‌های بازتر از $5/6$ نیست و از اینرو کنترل تنظیم و استفاده از ابژکتیوهای گوناگون دچار محدودیت‌هایی میگردد.

دور، میتوان نقطه دید پایین یا بالا بدست آورد. تغییر ابژکتیو دخل و تصرف در «کمیت» پلان عقب را ممکن میسازد. مثلا اگر شخصی در روی چمن‌ها ایستاده باشد و ما با يك ابژکتیو نرمال (۵۰ م. م.) تصویری از او تهیه کنیم شخص مزبور فضای معینی را در سطح عکس اشغال خواهد کرد که اگر با ابژکتیو (۱۰۰ م. م.) بخواهیم همان مقدار فضا را اشغال کند لازم است از چند قدم عقب‌تر عکس بگیریم. در این عکس افق و فضائی که سطح تصویر را اشغال خواهد کرد به نصف تقلیل خواهد یافت (با ابژکتیو ۲۰۰ م. م. به يك چهارم)، برعکس اگر با ابژکتیو زاویه باز (۲۵ م. م.) چند قدم جلوتر رفتن (برای اینکه آن شخص در روی تصویر باز به همان بزرگی باشد) عکسی گرفته شود فضائی به اندازه دو برابر وضع اول در کادر جای خواهد گرفت.

۹ - برای رسیدن به بالاترین کیفیت ممکن، خود را مجبور سازید. این کار ممکن است شمارا وادارد تا تعدادی فیلتر، چندین نوع فیلم و حتی سه‌پایه‌ی با خود حمل کنید، چه مانعی دارد؟ يك تصویر خوب چیزی است که میتوان به آن افتخار کرد، البته اگر از لحاظ تکنیک بی‌نقص باشد.

